

مقایسه اندیشه محوری دو سبک معماری (فولدینگ - دیکانستراکشن)

1- عباس غفاری 2- حسن ایمانی بخشایش 3- احسان بزاز آبکنار

1- دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده چند رسانه ای

2. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی جلفا، جلفا، ایران

3- دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی جلفا، جلفا، ایران

hasan.imani22@yahoo.com

چکیده

در طول تاریخ، محملی برای بیان اندیشه و تمنیات درونی بشری بوده که تلاش داشته است تا تبلور درونمایه های فکری و فرهنگی خود را به ترسیم و تجسیم مادی قرین کند. این امر به پهنای وسعت تاریخ بشری، مراحل و مراتب تغییر و استحاله گوناگونی به خود دیده است. چنانچه هر آنچه به نام دین و مذهب تسمیه دارد، در معماری خود را به صور گوناگون پدیدار می کند، تا بتواند پاسخی به تمنیات بشری باشد و او را در این باب یاری دهد. به عبارتی آنچه به عنوان آثار معماری مشاهده می شود، مستقیم یا غیر مستقیم با اندیشه ای پیوند خورده و دیر و زود زمان تبلور فیزیکی یافته است. اندیشه در آفرینش، اثر پنهان ولی حضوری عاشقانه دارد. اندیشه در ساحت آفرینشگری به معنای ساختن چیزها از طریق دمیدن روح عشق و زندگی در آنها و به لحاظ زیبایی شناسی، خوشایند کردن آنهاست؛ درست مانند مسیر خلقت الهی، هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه اندیشه محوری دو سبک معماری (فولدینگ - دیکانستراکشن) می باشد در این راستا، ابتدا تعاریف و مطالبی مربوط اندیشه محوری بیان می شود سپس به بررسی تعاریف معماری دیکانستراکشن و فولدینگ و همچنین اندیشه نظریه پردازان در این زمینه پرداخته می شود و در ادامه دو نمونه از آثار معماران بزرگی همچون دنیل لیبسکیند و پیترایزنمن، مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد که اطلاعات آن به صورت اسنادی و کتابخانه ای جمع آوری گردیده است.

کلمات کلیدی: اندیشه محوری، فولدینگ، دیکانستراکشن، سبک معماری